

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده

سال چهاردهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸: ۱۰۳-۸۳

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر جهانی‌شدن بر کارکردهای خانواده^۱

حسین حیدری^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۲۰

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۲/۲۵

چکیده

جهان در عصر حاضر تحت تأثیر انفجار اطلاعات، دستاوردهای فناورانه و درهم شکسته شدن مرزهای فرهنگی به سمت افق‌های ناپیدایی در حرکت است. جهانی‌شدن و فناوریهای ارتباطی و رسانه‌های جمعی، جهان را به دهکده‌ای کوچک تبدیل کرده است و فرهنگها، ارزشها، هنجارها و آداب و رسوم جوامع بشدت در حال تغییر و تحول است. یکی از حوزه‌هایی که تحت تأثیرات جهانی‌شدن، تحول قابل توجهی را تجربه کرده است خانواده و تغییر کارکردهای خانواده است. در این پژوهش تلاش شده است تأثیر جهانی‌شدن بر خانواده ایرانی با روش پیمایش مورد مطالعه قرار گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل افراد ۱۵ سال و بالاتر شهر تهران هستند که ۳۸۲ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به صورت تصادفی سامانمند انتخاب شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جهانی‌شدن با شدتهای مختلف بر کارکردهای پنجگانه خانواده یعنی کارکرد اقتصادی، کارکرد عاطفی و روانی، کارکرد زیستی و تولیدمثل، کارکرد تربیتی و کارکرد تأمین نیاز جنسی تأثیر داشته است. در این بین بیشترین تأثیر را کارکرد زیستی و تولیدمثل و کمترین تأثیر را کارکرد اقتصادی و اجتماعی تجربه کرده است. **کلید واژه‌ها:** خانواده، جهانی‌شدن، فناوریهای ارتباطی، کارکردهای خانواده.

۱. این مقاله از طرح «تأثیر جهانی‌شدن بر روابط خانوادگی» استخراج و با اعتبار «مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری» توسط نگارنده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی اجرا شده است.

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

hs.heidari@gmail.com

مقدمه

تا اواسط قرن نوزدهم تصور عمومی از خانواده، خانواده‌ای گسترده بود. این نوع خانواده با تمام تفاوت‌هایش در مناطق مختلف جهان، دو ویژگی ثابت داشت: اول اینکه خانواده محیط زندگی سه نسل و حتی بیشتر بود که با هم در زیر یک سقف و بر محور یک فعالیت تولیدی زندگی می‌کردند. دوم، تمرکز قدرت در دست پدر خانواده و انتقال آن به پسر ارشد بود و می‌توان گفت از زمان اسکان بشر و شکل‌گیری شهرها و تمدن، این نوع خانواده وجود داشته است (اعزازی، ۱۳۸۲). با صنعتی شدن جامعه، ساخت، کارکردها و اقتدار خانواده، دگرگون شد و مهمترین پیامد آن، گذار از خانواده سنتی به خانواده صنعتی شهری و هم‌چنین جایگزینی خانواده هسته‌ای با خانواده گسترده پیشین بود. در همین راستا خانواده از واحد تولیدی و مصرفی به واحدی تقریباً مصرفی تبدیل شد و به دنبال آن بسیاری از کارکردهای گذشته خود را از دست داد (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۲۹). اولین وظیفه‌ای که خانواده در شکل سنتی و گسترده از دست داد، وظیفه‌ای بود که به‌عنوان واحد تولیدکننده در چارچوب نظام همبستگی اجتماعی به عهده داشت. با ظهور مدارس و آموزشگاه‌ها بخشی از وظیفه تربیتی خانواده به نهادهای بیرون از خانواده واگذار شد؛ سپس نقش مراقبت بهداشتی و سرپرستی سالمندان نیز به نهادهای تازه تأسیس منتقل شد. اگر چه خانواده در غرب با پدیده صنعتی شدن تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده است زمان شروع این تغییرات در کشور ما چندان طولانی نیست. این تغییرات، که با شروع به کار دولت پهلوی و در دستور کار قرار گرفتن برنامه نوسازی و توسعه آغاز شده بود با برنامه اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ شمسی وارد مرحله جدیدی شد. اصلاحات ارضی در واقع ورود به مرحله جدیدی از تغییرات اجتماعی در ایران و فروریزی دیوارهای بلند سنت در کشور و آغاز پوست‌اندازی در حوزه خانواده است؛ ظهور صنعت و توسعه صنعتی نیز بخش بزرگی از نیروی کار خانواده‌ها را از کشاورزی به سوی بخش‌های صنعتی و خدمات گسیل کرد.

اگر چه علل این تغییرات ممکن است متعدد باشد بخش بزرگی از این تغییرات در راستای تغییرات کلانی است که در بسیاری از نقاط جهان در حال وقوع است و از آن به عنوان جهانی شدن یاد می‌شود و شامل تحول و دگرگونی ارزشهای جوامعی است که جای خود را به ارزشهای جامعه غربی و سبک زندگی غربی می‌دهد. جهانی شدن^۱ پدیده‌ای است که فرایندهای

روابط اجتماعی و وابستگی متقابل جوامع در سطح جهانی را تشدید، و سیمای ظاهری جهان و چگونگی نگرستن ما را به محیط پیرامون متحول کرده است به طوری که حتی در حوزه‌های خصوصی نیز احساس می‌شود. به تعبیر گیدنز «در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسیتی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. درخصوص اینکه ما چگونه فکر می‌کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم «انقلابی» در جریان است. این انقلاب در مناطق و فرهنگهای مختلف با سرعتهای متفاوت و با مقاومتهای زیاد در حال پیشروی است» (گیدنز، ۱۹۹۹ به نقل از تنهایی، ۱۳۸۷).

جهانی‌شدن به خروج فرد از حالت درون‌نگرانه و متکی به منطقه‌ای خاص به سمت هویتی برون‌نگرانه و فرا سرزمینی کمک می‌کند. این پدیده بر تغییری؛ که طی آن به جای ساختارها و سامانه‌های پیشین، پیکره نوینی در حال شکل‌گیری است که پیامهای آن افقی جهانی پیدا می‌کند؛ به تعبیر دیگر در متن جهانی شدن نوعی «قدرت جریان» جاری است که افقی جهانی یافته و در ورای مرزهای فرو ریخته، هم‌صدای زیادی پیدا کرده است. ثانیاً جهانی‌شدن بر تبدیل اصل و مصداقهای «طبیعت» به فراورده‌های فرهنگی ناظر است؛ (نصری، ۱۳۸۰: ۲۸۴-۲۸۲).

برخی همگون شدن فرهنگ ملت‌ها را حاصل پیشرفتهای عظیم در فناوری ارتباطات و تبادل اطلاعات و نفوذ و گسترش شبکه‌های رایانه‌ای و ماهواره‌ای را یکی از جنبه‌های مثبت پدیده جهانی شدن تلقی می‌کنند. ولی آنتونی گیدنز اعتقاد دارد که معنای جهانی شدن این نیست که جامعه جهانی در حال «یکپارچه شدن» است؛ برعکس این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و شقه‌شقه شدن روبه‌روست تا اتحاد و یکپارچگی؛ به عبارت دیگر، فرایند جهانی‌شدن فرایند همگن‌ساز نیست بلکه فرایندی تفکیک‌ساز است و همه چیز را یکدست توسعه نمی‌دهد و پیامدهایش به هیچ وجه خطرناک نیست و از آنها هم‌گریزی نیست (سعیدی، ۱۳۸۵: ۱۴).

از نظر تاملینسون (۱۳۸۱) همه این تفاسیر از تحولات اخیر جهانی، که تحت عنوان «جهانی شدن» نام برده شده است، نشان از پدیده‌ای چالشگر دارد که ابعاد مختلف آن، قلمرو بسیاری از مفاهیم اجتماعی سنتی مانند نظم، قدرت، امنیت، دولت، مشروعیت، فرهنگ، حاکمیت و هویت را در نوردیده و زمینه باز تفسیر آنها را فراهم ساخته است. در جریان این تحولات نه با وضعیت غایی، بلکه با فرایندی از تغییرات و «شدن‌ها» سر و کار داریم که هنوز به پایان نرسیده است؛ بدین ترتیب وجود مفهوم «شدن» در درون این اصطلاح - جهانی‌شدن - که گویای سرشت در حال

تحول آن است، ارائه قضاوت نهایی را درباره آن نمی کند و در نتیجه نمی توان با سلاح رد و ابطال کامل و یا تأیید و تصدیق قاطع به سراغ این پدیده رفت. اتفاقاً یکی از جالبترین ویژگیهای نظریه جهانی شدن، فراوان بودن معانی آن است به طوری که به نظر می رسد هر نوع معنایی براحتی و به فراوانی از آن استنباط می شود.

تاملینسون (۱۳۸۱) برخلاف تصور عام و معمول، که فرهنگ را به محلیت ربط می دهد، معتقد است که فرهنگ الزاماً پیوند مفهومی با محل ندارد؛ «زیرا معانی توسط [افراد] در حرکت و در جریانها و رابطه های بین فرهنگها خلق می شود». انتقال فرهنگ از طریق نمادهای فرهنگی مثل مجموعه های خانوادگی که در ماهواره ها پخش می شود و یا متون اینترنتی صرفاً به شیوه تک خطی صورت نمی گیرد. حرکت نمادهای فرهنگی همواره مستلزم تفسیر، ترجمه، جهش، انطباق و «بومی شدن» فرهنگ است؛ زیرا فرهنگ پذیرنده، تمامی منابع فرهنگی خود را به کار می گیرد و به شیوه ای دیالکتیکی بر «واردات فرهنگی» تأثیر می گذارد؛ انبوه کالاهایی که به گونه مؤثری در موردشان تبلیغ می شود؛ سبکها و شیوه های مردمی یا قومی که از بافت اصلی شان بریده شده اند؛ پاره ای از گفتمانهای ایدئولوژیک که با «حقوق و ارزشهای انسانی سروکار دارند و یک زبان کمی و علمی استاندارد شده برای پیام رسانی و ارزشیابی که اساس همه آنها را نظام جدید اطلاعات و پیام رسانی از راه دور (ماهواره ها) و فناوری رایانه ای (اینترنت) تشکیل می دهد (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۴۸-۱۴). در این بین به نظر می رسد کارکردهای خانواده بیش از هر چیز تحت تاثیر جهانی شدن بوده است. اگر چه کارکردهای متعدد و گوناگونی را می توان برای خانواده در نظر گرفت؛ ولی پنج کارکرد زیستی و تولیدمثل خانواده، تربیتی و آموزشی خانواده، ارضا و اقیان نیازهای جنسی، سلامت جسمی و روانی اعضاء و کارکردهای اقتصادی و اجتماعی خانواده از مهم ترین کارکردهای خانواده هستند (محسنی ۱۳۶۹: ۳۱۲).

پارسونز کارکردهای خانواده هسته ای را از دو دیدگاه متفاوت مورد بررسی قرار می دهد: از دید جامعه شناسی کلان و از نگاه جامعه شناسی خرد. جامعه در نگاهی کلان، نیازمند به افراد با هویت اجتماعی است که اولاً جامعه را بسازند (تشکیل دهند). ثانیاً آن را در جهت اهداف خاص به پیش برند؛ از آن رو که دست کم در اغلب موارد به طور طبیعی، تولید نسل در خانواده رخ می دهد، یکی از کارکردهای اساسی خانواده، با این نگاه، کارکرد تولید نسل است. از سوی دیگر، همان گونه که از ملاحظه دستگاه فکری پارسونز بر می آید، صرف وجود و یا ایجاد افراد انسانی برای تشکیل و پیشبرد جامعه و اهداف آن کافی نیست، بلکه حتماً باید آن افراد، به افراد اجتماعی

تبدیل شوند؛ یعنی پیوستگی خود با جامعه و نیاز خود را به جامعه درک کنند و در واقع، بعد اجتماعی وجود خویش را بشناسند؛ از همین‌رو، کارکرد دیگر خانواده در دیدی کلان، اعطای هویت اجتماعی به فرزندان است. از دید جامعه‌شناسی خرد، در نگاه پارسونزی، مصداق آن جامعه‌شناسی شخصیت در مطالعات مربوط به خانواده است، خانواده دو کارکرد عمده و پراهمیت دیگر دارد: اجتماعی کردن ابتدایی کودکان و حفظ و تقویت شخصیت بزرگسالان (پارسونز و بیلز، ۱۹۵۶). به اعتقاد پارسونز بر اساس همین دو وظیفه اصلی، وظایف هر یک از اعضای خانواده (زن، مرد و فرزندان) مشخص می‌شود. این کارکردها در عصر جهانی‌شدن با تغییرات مواجه شده است. به نظر پارسونز فرایند توسعه صنعتی به تغییرات خانواده از شکل گسترده به خانواده هسته‌ای منجر شده است. این نوع خانواده بر خلاف خانواده گسترده، تمام کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرف تبدیل شده است. کارکردهای اقتصادی، آموزشی، خدماتی، محافظتی و ... خانواده به دیگر نهادها و سازمانهای اجتماعی واگذار شده است.

نتایج تحقیقات مختلف نیز گویای تأثیر جهانی‌شدن و ابزارهای جهانی‌شدن بر خانواده است. نتایج تحقیق چیو^۱ (۱۹۹۷) نشان داد که بی‌ثباتی خانواده‌های مالزیایی نه به دلیل توسعه فناوری‌های اطلاعاتی بلکه به دلیل تحلیل و فرسایش ارزش‌های فرهنگ سنتی جامعه است. از این‌رو، پس زدن و خودداری از به کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی یا جهانی‌شدن نمی‌تواند چاره کار غلبه بر این تأثیرات زیان‌بار باشد؛ چرا که این کار تنها به معنای پاک کردن صورت مسئله و نشانه فرار از واقعیت جامعه خواهد بود. تنها راه چاره و تضمین ثبات خانواده و اجتماع، توجه و تمرکز بر عواملان تغییر است. پژوهش پیلکینگتون^۲ و دیگران (۲۰۰۲) در روسیه نشان داد که جوانان روسی تحت تأثیر فرهنگ غرب و رسانه‌ها برخی از ویژگی‌های فرهنگی غربی را پذیرفته‌اند. ولی آنها در عین حال که وانمود می‌کنند در حال «امریکایی شدن» هستند به فرهنگ باستانی و گذشته خود نیز پای‌بند هستند. یانگ و نیل^۳ (۲۰۰۶) که پیامدهای جهانی‌شدن بر روابط زوجین با یکدیگر را بررسی کرده‌اند به این نتیجه دست یافتند که تغییرات نسلی باعث برجسته شدن ترجیحات شخصی و انتخاب عقلانی و ایجاد روابط صمیمی با دوره‌های زمانی کوتاه بین جوانان شده است. کامیابی

1. Cheu Hock Tong
2. Pilkington
3. Renxin Yang & Arthur G. Neal

اقتصادی و آزادی شخصی با افزایش طلاق، خیانت زناشویی، افزایش روابط همبازی و افزایش روابط جنسی قبل از ازدواج همراه شده است. در پژوهش شاه^۱ (۲۰۰۸) نیز تأثیر جهانی شدن اقتصادی را بر کار و ارزش‌های خانوادگی در هند تأیید شد. بر اساس نتایج وی کسانی که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، نسبت به کسانی در شهرهای کوچک زندگی می‌کنند ویژگی جمع‌گرایی خانوادگی در آنها قوی‌تر است و فردگرایی بویژه در بعد احترام به ارزش‌های حرفه‌ای در هر دو گره تفاوت معناداری ندارد. هم‌چنین تلاش برای ارتقاء و رقابت شغلی در شاغلان فعال در شرکت‌های مستقر در شهرهای کوچک بیشتر از شهرهای بزرگ رایج است. در مقابل تضاد کار - خانواده بین شاغلان شهرهای بزرگ، از شاغلان شهرهای کوچک بیشتر است. کیم^۲ (۲۰۰۹) در بررسی خانواده‌های فراملی و پدیده ازدواج‌های برون مرزی که به «خانواده غاز وحشی»^۳ شهرت پیدا کرده‌اند به این نتیجه رسید که خانواده غاز وحشی به عنوان راهبرد خانواده‌های فراملی طبقه متوسط برای بازسازی طبقاتی خود به کار گرفته می‌شود. در این راهبرد پدر و مادر با توجه به ویژگی‌های خاص و منحصر به فردش در نقش‌های جنسیتی جدید و در نقش حامیان فرزندان، تقاضای آموزش‌های جهانی دارند. هم‌چنین با توجه به اینکه همسران و فرزندان معمولاً جداگانه و دور از هم زندگی می‌کنند، صمیمیت خانواده بشدت در معرض خطر قرار دارد. از نظر سالم و همکاران^۴ (۲۰۱۵) نیز استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات بر تعامل والدین با فرزندان و روابط زوجین باعث اختلال در مسئولیت‌های نقش‌های آنها می‌شود. هم‌چنین کاهش تعامل بین اعضای خانواده با یکدیگر، تضعیف نهاد خانواده و روابط زناشویی از نتایج شایع و مرسوم استفاده از این فناوری‌های ارتباطی است.

شواهد حاکی است که برخی روندها و پدیده‌هایی که در دهه‌های گذشته به تحول و دگرگونی خانواده در جوامع غربی منجر شده، امروزه به درجات مختلف در خانواده ایرانی نیز بروز و ظهور یافته است (جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۴). به عنوان مثال تنهایی و شکرپیگی (۱۳۸۷) در پژوهشی دریافتند که خانواده ایرانی به دلیل واسطه‌هایی مثل سواد، شهرنشینی، میزان مسافرت‌های خارجی و استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی، دگرگونی در خود پذیرفته است و در تقابل دیالکتیکی بین سنت و تجدد قرار دارد. نتایج تحقیق خواجه‌نوری (۱۳۸۸) نشان داد که

1. Grishma Shah
2. Kyounghee Kim
3. Wild Goose Family
4. Salem & et all

متغیرهای گفتگو در خانواده، احترام به قوانین و مقررات مربوط به زنان در خانواده، نقش جنسیتی و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطی ۳۲ درصد از متغیر تصمیم‌گیری را در خانواده تبیین می‌کند. قلیچ (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه رسید که بین میزان استفاده از محصولات فرهنگی جهانی و دگرگونی صمیمیت، نگرش عرفی به خانواده و دگرگونی انگاره‌های جنسیتی ارتباط مستقیم وجود دارد. از نظر وی رسانه‌ها نه عامل تغییر بلکه عمدتاً نقش شدت بخشی و تسریع روند دگرگونی ارزش‌های زناشویی و روابط خانوادگی را به عهده دارند. در تحقیق فاطمی (۱۳۹۲) اگر چه رابطه بین انسجام روابط خانوادگی با میزان استفاده از اینترنت در خانواده تایید نشد، اما وجود رابطه معکوس بین متغیرهای انسجام روابط خانوادگی، میزان همدلی اجتماعی در خانواده، توجه به نیازهای فردی در خانواده، داشتن همراه واقعی در زندگی و حمایت اجتماعی با میزان استفاده از اینترنت تایید شد. پژوهش گنجی و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان داد که بین استفاده از فناوری‌های نوین و از هم گسیختگی خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد. تحقیقات درباره تغییرات خانواده نشان می‌دهد که خانواده در عصر جهانی شدن، شاهد دگرگونی‌هایی در الگوهای خانواده و روابط حاکم است و شکل‌های جدیدی از روابط خانوادگی در حال ظهور و تجربه است. از نظر وی ساخت قدرت در خانواده ایرانی دچار تغییر شده و ساختار پدرسالاری در معرض تهدید جدی قرار گرفته است. علاوه بر آن، افزایش میزان آگاهی، مشارکت اجتماعی، اشتغال و تحصیلات زنان، جایگاه و موقعیت آنان را در خانواده و اجتماع دگرگون کرده است.

آنچه که از مطالعات پیشین می‌توان استنباط این است که جهانی شدن و ابزارهای آن مثل فناوری‌های نوین ارتباطی ساخت و روابط خانوادگی و به تبع آن کارکردهای خانوادگی را دچار تحول و دگرگونی کرده است. این تغییرات مختص یک منطقه یا کشور نبوده بلکه روندی جهانی است. به عبارتی فرهنگ جهانی شده، جریان پیوسته گردش عقاید، اطلاعات، ارزش‌ها، نگرش‌ها و سلیقه‌ها است که از طریق افراد متحرک، رمزگان نمادین و رسانه‌های الکترونیک در جوامع به گردش درمی‌آید و تمامی عناصر جامعه، اعم از نهادها و محلی‌ترین و خصوصی‌ترین دنیاهای تجربه زندگی روزمره انسان‌ها را دستخوش دگرگونی می‌کند. با توجه به اهمیت تاریخی و جایگاه خانواده در جامعه ایرانی و با توجه به اینکه جهانی شدن بسیاری از عرصه‌های زندگی اجتماعی بشر امروز را تحت تأثیر قرار داده است، پاسخ به این پرسش ضروری می‌نماید که کارکردهای خانواده ایرانی چه تغییراتی را تجربه کرده است و نقش و جایگاه جهانی شدن در این فرایند چه میزان است؟ میزان این تأثیر در هر یک از کارکردها چه میزان است؟ کدام یک از کارکردهای خانواده

در برابر جهانی شدن مقاومت کرده و کدام یک از آنها دچار تغییر شده است؟

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش پیمایش است. جامعه آماری در این پژوهش افراد بالای ۱۵ سال شهر تهران است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران به شرح زیر محاسبه شد که عدد ۳۸۴ به دست آمد.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

n = تعداد نمونه N = تعداد کل جمعیت هدف

t = تعداد اشتباه استاندارد لازم برای دستیابی به ضریب اطمینان قابل قبول

d = نصف فاصله اطمینان S^2 = واریانس متغیر مورد نظر در جمعیت هدف

مقدار S^2 برای متغیرهای کمی است؛ اما در متغیرهای دو ارزشی این مقدار برابر $P(1-P)$ می شود که P برابر نسبتی از متغیر معین در جمعیت است و این فرمول برابر خواهد شد با:

$$n = \frac{t^2 P(1-P)}{d^2}$$

$$n = \frac{(1/96)^2 \times 0/5 \times (1-0/5)}{(0/05)^2} = 384$$

روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای است و نمونه ها به صورت تصادفی سامانمند انتخاب شده اند. برای گردآوری داده از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه در دو محور اصلی جهانی شدن و کارکردهای خانواده (کارکرد اقتصادی، کارکرد تأمین نیازهای جنسی، کارکرد عاطفی و روانی و کارکرد تربیتی و آموزشی) تدوین شده است. برای تأمین اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار صوری استفاده شده است؛ بدین صورت سؤالات با توجه به چارچوب نظری و الگوی مفهومی طرح و از صاحب نظران این حوزه نظرخواهی شده است. برای سنجش روایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب آن به شرح زیر است:

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
جهانی شدن	۰/۹۳۲
کارکرد اقتصادی خانواده	۰/۸۸۵
کارکرد نیازهای جنسی خانواده	۰/۹۰۵
کارکرد عاطفی و روانی خانواده	۰/۸۹۰
کارکرد تربیتی و آموزشی خانواده	۰/۸۵۵

یافته‌ها

از ۳۸۱ نفر نمونه آماری این پژوهش ۴۹/۶ درصد افراد انتخاب شده مرد و ۵۰/۴ درصد زن هستند؛ حدود ۶۰ درصد پاسخگویان متأهل، ۳۹ درصد مجرد و کمتر از ۲ درصد آنها مطلقه بودند و یا همسرشان فوت کرده بود. از نظر ترکیب سنی ۱۸ درصد بین ۱۶ تا ۲۵ سال، ۳۲ درصد بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۲۵ درصد بین ۳۶ تا ۴۵ سال و ۹ درصد نیز بیش از ۵۰ سال هستند. حدود ۳۲ درصد از پاسخگویان شغل آزاد، ۲۰ درصد خانه‌دار، ۱۵ درصد خصوصی، ۱۳ درصد دانشجو، ۷ درصد دولتی، ۵/۵ درصد بازنشسته، حدود ۱/۶ درصد دانش آموز، ۲/۴ درصد بیکار و کمتر از ۱ درصد وضعیت شغلی خود را در حال خدمت سربازی اعلام کرده‌اند. از نظر سطح تحصیلات ۳۹ درصد دیپلم و زیر دیپلم، ۴۵ درصد از افراد جامعه نمونه دارای مدرک کاردانی و کارشناسی، ۱۵ درصد نیز ارشد و دکتری هستند. هم‌چنین از نظر قومیت پاسخگویان ۵۰ درصد فارس، ۳۲ درصد ترک، ۴ درصد کرد، ۶/۳ درصد لر و ۵ درصد گیلک هستند.

جدول زیر میزان نفوذ شاخص جهانی‌شدن در جامعه نمونه به ترتیب بیشترین نفوذ تا کمترین میزان را در جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد.

میزان نفوذ ارزشهای جهانی

انحراف معیار	میانگین	تعداد	ابعاد جهانی شدن
۲۶/۶۱	۶۰/۳۳	۳۸۱	آشنایی با فناوریهای نوین
۲۹/۵۴	۵۸/۳۳	۳۶۹	پیگیری اخبار جهانی
۳۶/۹۱	۵۵/۲۰	۱۴۴	سفر خارجی
۲۸/۱۳	۳۷/۸۶	۳۸۱	شناخت هنر جهانی
۲۹	۳۶	۳۸۱	استفاده از فناوریهای ارتباطی نوین
۳۲/۰۳	۲۸/۴	۳۷۵	ارتباط با خارج
۱۶/۱۱	۲۲/۶۷	۳۸۱	آشنایی با زبانهای خارجی

بر این اساس بعد آشنایی با فناوریهای نوین با اختصاص میانگین ۶۰ از ۱۰۰ بیشترین نفوذ را در جامعه مورد مطالعه داشته است. هم چنین پیگیری اخبار جهانی با میانگین ۵۸ به عنوان دومین مؤلفه پرنفوذ جهانی شدن بین افراد مورد مطالعه است. میانگین نفوذ بقیه ابعاد جهانی شدن نیز به این ترتیب است: سفر خارجی با میانگین نفوذ ۵۵، شناخت هنر جهانی با میانگین نفوذ ۳۸، استفاده از فناوریهای ارتباطی نوین با میانگین ۳۷، ارتباط با خارج با میانگین نفوذ ۲۸ و آشنایی با زبانهای خارجی با میانگین ۲۳ (همگی از ۱۰۰).

درباره داده‌های جدول نکته مهمی هست که بدون توجه به آن نمی‌توان به نتایج متقنی دست یافت. تعداد کسانی که به بعد «سفر خارجی» پاسخ داده‌اند ۱۴۴ نفر است؛ به عبارتی دیگر حدود ۳۸ درصد به این سؤال پاسخ داده، و ۶۲ درصد پاسخ این سؤال را رها کرده‌اند؛ با این وصف نمی‌توان با اطمینان بعد سفر خارجی را با دیگر ابعاد جهانی شدن مقایسه کرد. بنابراین به نظر می‌رسد ابعاد مصرفی جهانی شدن بیشتر از ابعاد ایجابی و کنشگرانه جهانی شدن در بین جامعه مورد مطالعه این تحقیق نفوذ دارد؛ به عبارتی دیگر ابعادی از جهانی شدن (مثل یادگیری زبان خارجی و شناخت هنر جهانی) که نیازمند تأمل، تفکر و اراده کنشگرانه است، نفوذ چندانی بین افراد مورد مطالعه ندارد ولی نفوذ و استفاده از تلفن همراه، رایانه، پیگیری اخبار و ... در جامعه قابل ملاحظه است.

میانگین آشنایی با زبانهای خارجی بین جامعه مورد مطالعه این تحقیق در سطح خیلی پایینی قرار دارد (میانگین ۲۳ درصد از ۱۰۰ درصد)؛ این در حالی است که انحراف معیار این شاخص در مقایسه با شاخصهای دیگر در پایین‌ترین میزان (۱۶) قرار دارد؛ به عبارتی دیگر سطح آشنایی با زبانهای خارجی «متوسط» یکی از افراد مورد مطالعه، ۱۶ نمره کم یا بیشتر از میانگین کل جامعه مورد مطالعه در آن شاخص (۲۲/۶۷) است؛ بنابراین افراد مورد مطالعه در شاخص یادگیری زبانهای خارجی (که سطح یادگیریشان بسیار پایین است) تجانس زیادی باهم دارند (البته نسب به بقیه شاخصهای جهانی شدن)؛ به عبارتی دیگر اشترک افراد در پایین بودن سطح یادگیری زبانهای خارجی از بقیه شاخصها خیلی بیشتر است (افراد در یاد نگرفتن زبان خارجی خیلی شبیه هم هستند). بر اساس داده‌های جدول با اینکه شاخص «سفر خارجی» بین ۷ شاخص جهانی شدن از لحاظ نفوذ در مرتبه سوم قرار دارد، انحراف معیارش از بقیه شاخصها بیشتر است (۳۷)؛ به عبارتی دیگر درباره سفر خارجی، افراد تجانس کمتری دارند و نسبت به بقیه دارای پراکندگی بیشتری هستند.

کارکردهای خانواده با استفاده از ۵ شاخصی که در جدول زیر مشاهده می‌شود، سنجش شده است. میانگین و انحراف معیار هر یک از شاخصها به این شرح است:

آماره توصیفی کارکردهای خانواده

انحراف معیار	میانگین	تعداد	کارکردهای خانواده
۱۳/۰۰۰۰	۷۹/۰۰۰۰	۳۸۱	کارکرد اقتصادی خانواده
۱۸/۷۲۲۴۴	۷۶/۱۳۰۵	۳۸۱	کارکرد نیازهای جنسی خانواده
۱۹/۱۲۷۲۸	۷۰/۴۶۶۲	۳۸۱	کارکرد عاطفی و روانی خانواده
۱۹/۰۴۵۸۲	۶۷/۸۱۱	۳۸۱	کارکرد تربیتی و آموزشی خانواده
۱۹/۲۹۱۷۵	۶۴/۴۸۸۲	۳۸۱	کارکرد زیستی و تولیدمثل خانواده

نتایج نشان می‌دهد با تمام تغییراتی که در صورت روابط اجتماعی رخ داده است، هنوز خانواده کارکرد اجتماعی اقتصادی زیادی دارد. در این تحقیق جایگاه خانواده در بعد اجتماعی اقتصادی در بازه ۰ تا ۱۰۰، نمره ۷۹ و انحراف معیار آن ۱۳ است. این اعداد نشان می‌دهد که خانواده در ایران توانسته است تا حدود زیادی جایگاه خود را در عرصه اجتماعی بازتولید کند. البته خیلی نباید بعد ایجابی را به خانواده واگذار کرد، شاید بتوان گفت عدم نهادمندی، موفقیت و استقرار دیگر شیوه‌های ممکن برای تغذیه ابعاد اجتماعی و اقتصادی هنوز فراهم نشده و خانواده در این میان تنهاترین نهاد تأمین‌کننده این بعد است (گرچه نمی‌توان کتمان کرد که معرفت عملی و مخزن تفسیری که در نهاد خانواده متراکم شده است براحتی قابل جایگزینی با دیگر شیوه‌های ممکن نیست).

کارکرد خانواده در زمینه تأمین نیاز جنسی برای جامعه مورد مطالعه از میانگین بسیاری برخوردار است. این شاخص با اختصاص نمره ۷۶ در مقیاس بین ۰ تا ۱۰۰ از جایگاه خوبی برخوردار است. طبق میانگین، می‌توان گفت که هنوز شیوه‌های دیگر برقرار روابط جنسی در جامعه مقبول واقع نشده و خانواده جایگاه سنتی خود را در این حوزه در جامعه ما تا حد زیادی حفظ کرده است. انحراف معیار حدود ۱۹ هم نشان می‌دهد که کارکرد جنسی بین افراد مورد مطالعه از تجانس و تشابه بسیاری برخوردار است؛ به عبارت دیگر کارکرد جنسی خانواده از اشتراک نسبی زیادی برخوردار است و هنوز افراد نسبت به کارکرد جنسی خانواده شباهت زیادی نسبت به هم دارند.

کارکرد عاطفی و روانی بعد از کارکرد جنسی دومین جایگاه را به خود اختصاص داده است؛ به عبارتی در جامعه مورد مطالعه، خانواده بعد از کارکرد جنسی در حوزه عاطفی و روانی نیز توانسته است جایگاه سنتی خود را در حد نسبتاً زیادی حفظ کند. میانگین این شاخص در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ حدود ۷۰ است. این نمره زیاد فاصله نسبتاً خوبی از میانه مقیاس (۵۰ درصد) دارد. بر این اساس می توان گفت که با گسترش روابط آنلاین، شبکه های اجتماعی در حوزه های مختلف و... هنوز خانواده منبع اصلی تأمین کننده عاطفه است. هنوز افراد نهایتاً خانواده را محرم عواطف و احساسات خود می دانند و در آن احساس امنیت می کنند. انحراف معیار ۱۹ برای این شاخص نیز گویا است که افراد حول این کارکرد خانواده از تجانس و اشتراک نسبتاً فراوانی برخوردارند. شاید بتوان گفت که در این دنیای پرتلاطم، آشفته و قطعه قطعه شده، تنها خانواده است که به انسان پناه می دهد و تنها این نهاد است که به طور کامل «کالایی» نشده است و افراد می توانند احساسات و عواطف خود را با هم به اشتراک بگذارند.

میانگین کارکرد تربیتی خانواده با اینکه در رتبه چهارم قرار دارد، اختصاص میانگین ۶۸ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ قابل توجه است. میانگین ۶۸ در بالای میانه مقیاس (۵۰ درصد) قرار دارد؛ به عبارتی خانواده تا حد نسبتاً زیادی توانسته است کارکرد تربیتی خود را حفظ کند. در واقع هنوز نهادهای آموزشی مدرن نتوانسته است اعتماد جامعه را در زمینه تربیت فرزندان جلب کند. فوراً باید اضافه کرد که در مقایسه با دو شاخص جنسی و عاطفی، کارکرد تربیتی بیشتر در معرض نفوذ ارزشهای مدرن قرار گرفته است.

بعد از کارکرد تربیتی، کارکرد زیستی و تولیدمثل نیز در معرض نفوذ ارزشهای جهانی قرار دارد. میانگین این شاخص نسبت به شاخص کارکرد جنسی خانواده نسبتاً تفاوت دارد. این شاخص با اختصاص میانگین ۶۴ از میانه مقیاس بالاتر قرار دارد. به طور خلاصه کارکرد اجتماعی بین ابعاد بررسی شده، کارکرد زیستی خانواده بشدت در حال تغییر است (تغییر از شکل سنتی به شکل مدرن). کارکرد تربیتی و عاطفی نیز به ترتیب در مقایسه با دیگر ابعاد بیشتر در معرض تغییر قرار دارد و در مقابل کارکرد اجتماعی و جنسی خانواده در حد زیادی توانسته است شکل سنتی خود را حفظ کند.

تأثیر جهانی شدن بر کارکردهای خانواده

همان گونه که در جدول ذیل ملاحظه می شود، رابطه جهانی شدن با کارکردهای خانواده آشنایی با زبان خارجی و هر یک از کارکردهای زیستی و تربیتی و جنسی و عاطفی در سطح

($p=0/01$) معنادار است. نوع همبستگی بین این متغیرها از نوع همبستگی معکوس (منفی)، و شدت این همبستگی برای کارکرد زیستی $0/16-$ ، برای کارکرد تربیتی $0/27-$ ، برای کارکرد جنسی $0/24-$ و برای کارکرد عاطفی $0/19-$ است؛ بنابراین هر چه جهانی‌شدن افزایش می‌یابد، کارکردهای خانواده هم از شکل سنتی به شکل مدرن تغییر شکل می‌دهد.

رابطه بین جهانی‌شدن و کارکردهای خانواده

کارکردهای خانواده	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	Sig.
کارکرد اجتماعی اقتصادی	۳۸۱	۷۹/۳۶	۱۲/۷۲	-۰/۰۲۶	۰/۶۱۵
کارکرد عاطفی	۳۸۱	۷۰/۴۴	۱۹/۱۲	-۰/۲۳۸**	۰/۰۰۰
کارکرد جنسی	۳۸۱	۷۶/۱۳	۱۸/۷۲	-۰/۱۹۶**	۰/۰۰۰
کارکرد تربیتی	۳۸۱	۶۷/۸۱	۱۹/۰۴	-۰/۲۱۸**	۰/۰۰۰
کارکرد زیستی	۳۸۱	۶۴/۴۸	۱۹/۲۹	-۰/۱۹۱**	۰/۰۰۰

برای بررسی رابطه بین ابعاد جهانی‌شدن و کارکردهای خانواده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج در جدول ذیل قابل مشاهده است:

رابطه ابعاد جهانی‌شدن و کارکردهای خانواده

ابعاد جهانی‌شدن	آزمون آزمایی	کارکرد زیستی	کارکرد تربیتی	کارکرد جنسی	کارکرد عاطفی	کارکرد اجتماعی
آشنایی با زیانهای خارجی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۶۳**	-۰/۲۶۶**	-۰/۲۴۴**	-۰/۱۸۹**	۰/۰۲۶
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۱۷
	تعداد	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱
استفاده از فناوری ارتباط نوین	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۲*	۰/۰۰۸	-۰/۰۳۸	-۰/۱۱۵*	-۰/۰۱۲
	سطح معنی‌داری	۰/۰۱۹	۰/۸۸۲	۰/۴۵۸	۰/۰۲۵	۰/۸۱۷
	تعداد	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱
آشنایی با فناوریهای نوین	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۲۳*	-۰/۱۴۶**	۰/۰۲۶	-۰/۰۲	-۰/۰۴
	سطح معنی‌داری	۰/۰۱۶	۰/۰۰۴	۰/۶۱۴	۰/۰۰۰	۰/۴۳۵
	تعداد	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱
میزان پیگیری اخبار جهانی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۸۲	-۰/۰۴۸	۰/۰۸۲	-۰/۰۱۸	**۰/۱۶
	سطح معنی‌داری	۰/۱۱۶	۰/۳۶	۰/۱۱۶	۰/۷۳۴	۰/۰۰۲
	تعداد	۳۶۹	۳۶۹	۳۶۹	۳۶۹	۳۶۹
میزان ارتباط با خارج	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۲۴۳**	-۰/۲۲۸**	-۰/۲۷۶**	-۰/۱۵**	-۰/۰۶۴
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۲۱۷
	تعداد	۳۷۵	۳۷۵	۳۷۵	۳۷۵	۳۷۵

-۰/۰۸۱	** -۰/۳۵۱	** -۰/۲۱۴	-۰/۰۴۱	** -۰/۱۶۱	ضریب همبستگی پیرسون	میزان آشنایی با هنر جهانی
۰/۱۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۲	۰/۰۰۲	سطح معنی داری	
۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	تعداد	

رابطه میزان آشنایی با زبان خارجی و هر یک از کارکردهای زیستی و تربیتی و جنسی و عاطفی در سطح (p=۰/۰۱) معنادار است. نوع همبستگی معکوس (منفی)، و شدت این همبستگی برای کارکرد زیستی ۰/۱۶-، برای کارکرد تربیتی ۰/۲۷-، برای کارکرد جنسی ۰/۲۴- و برای کارکرد عاطفی ۰/۱۹- است؛ بنابراین به میزانی که آشنایی با زبان خارجی بیشتر شود، کارکردهای خانواده هم از شکل سنتی به شکل مدرن تغییر شکل می‌دهد. البته میزان این همبستگی در سطح متوسطی است.

رابطه میزان استفاده از فناوری ارتباطی نوین و هر یک از کارکردهای زیستی و عاطفی در سطح (p=۰/۰۱) معنادار است. نوع همبستگی بین این متغیرها، از نوع همبستگی معکوس (منفی)، و شدت این همبستگی برای کارکرد زیستی ۰/۱۲- و برای کارکرد عاطفی نیز ۰/۱۲- محاسبه شده است. رابطه میزان استفاده از فناوری ارتباطی نوین و هر یک از کارکردهای زیستی، تربیتی و عاطفی در سطح (p=۰/۰۱) معنادار است. نوع همبستگی بین این متغیرها از نوع همبستگی معکوس (منفی)، و شدت این همبستگی برای کارکرد زیستی ۰/۱۲-، برای کارکرد تربیتی ۰/۱۵- و برای کارکرد عاطفی نیز ۰/۲۰- است. رابطه میزان استفاده از فناوری ارتباطی نوین و کارکرد اجتماعی در سطح (p=۰/۰۱) معنادار است. نوع همبستگی بین این متغیرها از نوع همبستگی معکوس (منفی)، و شدت این همبستگی ۰/۱۶- ارزیابی شده است. رابطه میزان ارتباط با خارج و هر یک از کارکردهای زیستی، تربیتی، جنسی و عاطفی در سطح (p=۰/۰۱) معنادار است. نوع همبستگی بین این متغیرها از نوع همبستگی معکوس (منفی)، و شدت این همبستگی برای کارکرد زیستی ۰/۲۴-، برای کارکرد تربیتی ۰/۲۳-، برای کارکرد جنسی ۰/۲۸- و برای کارکرد عاطفی نیز ۰/۱۵- به دست آمده است.

رابطه میزان ارتباط با خارج و هر یک از کارکردهای زیستی، جنسی و عاطفی در سطح (p=۰/۰۱) معنادار است. نوع همبستگی بین این متغیرها از نوع همبستگی معکوس (منفی)، و شدت این همبستگی برای کارکرد زیستی ۰/۱۶-، برای کارکرد جنسی ۰/۲۱- و برای کارکرد عاطفی نیز ۰/۳۵- است.

فرض اصلی مطالعه این است که هر چقدر ارزشهای جهانی‌شدن نفوذ بیشتری در افراد داشته باشد به همان اندازه کارکردهای خانواده از شکل سنتی خارج می‌شود و به سمت‌وسوی فردگرایانه و جهانی‌گرایی پیدا می‌کند. همان‌طور که نتیجه آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد جهانی‌شدن با هر یک از کارکردهای عاطفی، جنسی، تربیتی و زیستی ارتباط معنی‌دار و مستقیمی دارد؛ به عبارت دیگر هر چه میزان جهانی‌شدن بیشتر می‌شود، میزان تغییر در هر یک از این کارکردها نیز افزایش پیدا می‌کند.

جهانی‌شدن با کارکرد اجتماعی و اقتصادی خانواده رابطه معناداری ندارد. می‌توان گفت ممکن است افراد ارزشهای جهانی‌شدن را بپذیرند ولی همچنان کارکرد اجتماعی و اقتصادی خانواده را نیز بازتولید کنند؛ به عبارتی دیگر می‌توان اظهار کرد که افراد در حوزه اقتصادی و اجتماعی خانواده همچنان کارکرد گذشته خود را دارند و همچنان نقش اصلی را در تأمین این نیازها برای افراد خانواده بر عهده دارد؛ ولی شدت ارتباط متغیرهایی که با جهانی‌شدن رابطه معنی‌داری دارد خیلی زیاد نیست و این نشان‌دهنده این است که جهانی‌شدن تمامی ابعاد زندگی خانوادگی را هنوز فرا نگرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر کارکردهای خانواده بود. برای بررسی این موضوع تلاش شد تا ابتدا وضعیت هر یک از این کارکردها در خانواده‌های ایرانی سنجیده، و سپس در ادامه تأثیر جهانی‌شدن بر این کارکردها و نوع رابطه آنها با یکدیگر بررسی شود. کارکردهای خانواده در این پژوهش به پنج کارکرد مختلف کارکرد زیستی و تولیدمثل خانواده، کارکرد تربیتی و آموزشی خانواده، کارکرد تأمین نیازهای جنسی خانواده (ارتباط با جنس مخالف)، کارکرد عاطفی و روانی خانواده و کارکرد اجتماعی و اقتصادی خانواده جدا شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به‌رغم تغییراتی که در صورت روابط اجتماعی رخ داده، کارکرد اجتماعی/ اقتصادی خانواده نسبت به دیگر کارکردهای خانواده از قدرت زیادی برخوردار، و قویترین بعد کارکردی خانواده است. بعد از کارکرد اجتماعی اقتصادی خانواده، کارکرد عاطفی و روانی، کارکرد زیستی و تولیدمثل و کارکرد جنسی در رتبه‌های بعدی قرار دارد. نکته قابل توجه در نتایج، انحراف معیار متغیرها نشان می‌دهد که نگرش جامعه در کارکرد اجتماعی

اقتصادی خانواده و کارکرد تأمین نیازهای جنسی در چارچوب خانواده از همگونی قابل توجهی برخوردار است. بر این اساس می‌توان گفت هنوز شیوه‌های دیگر برقراری روابط جنسی در جامعه مقبول واقع نشده و خانواده، جایگاه سنتی خود را در این حوزه تا حد زیادی حفظ کرده است. کارکردهای تربیتی و آموزشی خانواده، کارکرد عاطفی و روانی خانواده و کارکرد زیستی و تولیدمثل از نظر همگونی در رتبه‌های بعدی قرار دارد. در کارکرد عاطفی خانواده نیز تغییرات زیادی اتفاق نیفتاده است و حتی با وجود گسترش شبکه‌های اجتماعی و نفوذ قابل توجه آن، که انتظار می‌رفت نقش عاطفی خانواده را دچار تزلزل سازد، هنوز خانواده منبع اصلی تأمین‌کننده عاطفه است و هنوز افراد نهایتاً خانواده را محرم عواطف و احساسات خود می‌دانند؛ هر چند انحراف معیار زیاد این متغیر نشان‌دهنده این است که کارکرد عاطفی خانواده، تجانس و اشتراک کمتری نسبت به دو کارکرد قبلی دارد. بررسی وضعیت کارکرد تربیتی خانواده نیز نشان می‌دهد که هنوز خانواده در تربیت کودکان نقش محوری دارد و نهادهای آموزشی مدرن نتوانسته است اعتماد جامعه را در مورد تربیت فرزندان جلب کند و خانواده در این حوزه نیز نقش بنیادی دارد.

نتایج نشان می‌دهد که جهانی‌شدن با کارکرد اقتصادی خانواده رابطه‌ای ندارد. خانواده همچنان یکی از منابع تأمین اقتصادی افراد خانواده است. همان‌طور که بهنام (۱۳۸۳) بدرستی تأکید کرده است گروه خویشاوندی هر چند نمی‌تواند در درون خود مسائل را حل کند به‌عنوان واحدی بزرگ می‌تواند حامی افرادش در جامعه باشد. امروزه این دایره تنگتر، و از حوزه خویشاوندی به چارچوب خانواده منتقل شده است و خانواده همچنان حامی افراد خانواده در تأمین نیازهای اقتصادی است. گذشته از کارکرد اجتماعی اقتصادی خانواده، که با جهانی‌شدن رابطه معناداری ندارد، دیگر کارکردهای خانواده با جهانی‌شدن رابطه معنی‌دار و معکوس دارد؛ یعنی هر چه ارزشهای جهانی‌شدن در جامعه نفوذ بیشتری می‌یابد از میزان کارکردهای سنتی خانواده در کارکردهای عاطفی و روانی، کارکرد تربیتی و آموزشی، کارکرد جنسی و کارکرد زیستی و تولیدمثل کاسته می‌شود. در این بین کارکرد زیستی و تولیدمثل نسبت به دیگر کارکردها با سرعت بیشتری در حال تغییر است (تغییر از شکل سنتی به شکل مدرن). این تغییر در راستای همان تغییراتی است که گیدنز (۱۳۸۴) نیز بدان اشاره کرده است. این تغییر همان افزایش روزافزون و پررنگ شدن ویژگی رمانتیک افراد در زناشویی و اهمیت یافتن عنصر احساسات و عواطف است. در واقع کارکرد زیستی خانواده در ایران در مرحله بازسازی هنجاری و نهادینه کردن نظمی نوین است. کارکرد تربیتی و عاطفی نیز به ترتیب در مقایسه با دیگر ابعاد بیشتر در معرض تغییر قرار

دارد. در واقع می‌توان گفت نظر گیدنز دربارهٔ ویژگی روابط مدرن، که از آن به رابطه ناب تعبیر می‌کند تا حد زیادی در حال پررنگ شدن است؛ در مقابل، کارکرد اجتماعی و جنسی خانواده تا حدی توانسته است شکل سنتی خود را حفظ کند. از نظر گیدنز زندگی مشترک نه تنها شکل فرهنگی «روابط ناب» را پیدا کرده است، بلکه هر چه بیشتر و در سطحی گسترده از چارچوبهای روابط غیرصمیمی - مانند تولیدمثل، پایگاه اجتماعی، تأمین اقتصادی، روابط جنسی ثابت و پایدار - جدا می‌شود. کارکرد عاطفی خانواده با اینکه هنوز دچار تغییرات اساسی نشده و خانواده همچنان مأمن اصلی عاطفی افراد است، دورنمای تغییرات آن بویژه در بعد روابط زناشویی قابل مشاهده است. همان‌طور که گیدنز (۱۹۹۲) گفته است تا زمانی که زوجین از داشتن رابطه زناشویی با یکدیگر احساس رضایت متقابل داشته باشند، چنین رابطه‌ای را ادامه می‌دهند و هر لحظه که این احساس در آنها از بین برود، دلیلی برای تداوم رابطه ندارند. بر خلاف گذشته، که افراد در هر وضعیتی تلاش می‌کردند رابطه زناشویی تداوم داشته باشد، امروزه این نگرش در حال تغییر است. آمار زیاد طلاق در جامعه، که بخش اعظمی از آن ناشی از خدشه‌دار شدن اعتماد بین زوجین است، نشان می‌دهد که اعتماد متقابل در تداوم زندگی زناشویی نقش مهمی دارد و روز به روز اهمیت آن در عرصه حیات اجتماعی بیشتر خود را نمایانتر می‌سازد.

از سوی دیگر با ورود نسلهای جدید به همراه رشد چشمگیر اینترنت و افزایش بهره‌گیری از این فضای شبکه‌ای، انتظار می‌رود این نسلهای بعدی مورد اشاره، حضوری رایجتر و با کیفیتی متفاوت را در جهان موازی تجربه کنند. بنابراین از آنجا که آغاز اجتماعی‌شدن اولیه این نسلهای مشهور به نسل ایگرگ^۱ در فضایی دوجداره صورت خواهد گرفت، تکامل یا پرورش اجتماعی ثانویه آنها نیز بنابر آنچه برگر می‌گوید که «پرورش اجتماعی اولیه مهمترین عامل اجتماعی‌شدن فرد است و ساختار اساسی پرورش اجتماعی ثانوی باید با ساختار اساسی پرورش اجتماعی اولیه شباهت داشته باشد» (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۷۹) بر پایه همین نگرشها و رویکردها سامان خواهد یافت. هم‌چنین باید توجه کرد که در سالهای بعد، بی‌شک بهره‌وری از این فضا، شکل سامان‌یافته‌تر و هدفمندتری خواهد داشت. بنابراین قابل تصور است که در سالهای بعد شاهد حضور افراد جهان‌نگرتر دربارهٔ زندگی زناشویی و خانواده باشیم تا از اتصال و نهایتاً اجتماع این افراد بر و در بستر جهان مجازی، جهان بین‌الذهانی‌ای با ویژگی بارز جهان‌نگری شکل بگیرد.

نقطه آغاز اصلی تمام این حرکتها افراد هستند؛ افرادی که توان اتصال و امکان عبور از مرزهای سنتی را یافته‌اند. اساساً هر برداشتی از مفاهیمی مانند زندگی اجتماعی، حیات فردی، عدالت، صلح، حکومت، مشروعیت، آزادی و مفاهیمی از این دست نهایتاً بر خوانشی از سرشت انسان به‌عنوان موجودی طبیعی استوار است. با این تأکید دوباره بر اهمیت فرد، باید گفت از آنجا که نیازهای فردی از لحاظ شناختی به صورت ارزش و در قالب چارچوبهای پذیرفته‌شده اجتماعی، بازنمایی می‌شود و به منصفه ظهور می‌رسد، وقوع این تغییرات در شیوه تفکر فردی، تبدیل شدن تدریجی آنها به ارزش به‌عنوان پیش‌نیاز نگرش و نهایتاً ظهور آنها به صورت رفتار در سطح فردی در آینده دارد.

به نظر می‌رسد که نگرشهای قبلی در مورد کارکردهای خانواده به هر حال تغییر شکل دادن و جایگزین شدن با نوعی متفاوت از خود است؛ چنانکه برگر معتقد است دنیای بین‌الذلهانی حاصل تجمع غیر جبری ذهنهای جدا اما مرتبط است. چنانکه مشخص است، نگرش در حال تغییر و دگرذیسی است و لذا قابل ادعاست که محصول آنها نیز یعنی جهان بین‌الذلهانی برگری و نیز تولیدات آنها یعنی تمدن و فرهنگ نیز دستخوش تحول و زایشی دوباره است. دستیابی به چنین نتایجی، نشانگر این است که جامعه ایرانی، به‌رغم محدودیتها در حال گذار به جامعه‌ای با ذهنیت منعطف و فراومی و احیانا رسیدن به نگاهی بومی - جهانی است. ابزار تأمین‌کننده چنین امکانی، فضای مجازی است که می‌تواند شیوه‌ای تاکتیکی از سوی مردم به منظور مقابله با راهبرد قدرت اعم از ملی و فراملی به کار گرفته شود.

پیشنهادها

یکی از اقدامات مهم و اساسی در برابر فرایند جهانی‌شدن و تأثیر آن بر نهاد خانواده این است که آگاهی، مهارت و اطلاعات خانواده درباره جهانی‌شدن و ابزارهای آن (فضای مجازی به‌عنوان شاخصترین ابزار آن) باید ارتقا داده شود و برنامه و دستورالعمل مشخصی برای رویارویی با این فرایند تدوین شود؛ به‌عنوان مثال باید والدین به فعالیتهای کودکان خود برای فعالیت در فضای مجازی نظارت کنند. به همین منظور آنها باید خود وقت معین و محدودی را صرف سرگرمی و مصرف رسانه‌های جهانی، فضای مجازی و ابزار آلات دیگر این فرایند اختصاص دهند. تا آنجا که ممکن است زمانی که بچه‌ها در منزل حضور دارند، وقتشان را به بچه‌ها اختصاص دهند. هم‌چنین محدودیتهای خاصی را در مورد استفاده فرزندان (نسبت به سن‌شان) از فضای مجازی و دیگر ابزارهای جهانی‌شدن به کار گیرند؛ علاوه بر این از شیوه‌های زیر نیز می‌توان نسبت به این مدیریت

آثار زیانبار جهانی شدن اقدام کرد:

- طراحی و ساخت اپلیکیشن ایرانی و یا آموزش چگونگی رویارویی با شبکه‌های اجتماعی مجازی و استفاده از این فناوریها
- پیش‌بینی، تدارک و برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس به‌منظور آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان در مورد مزایای جدید و چگونگی استفاده صحیح از آنها
- گذراندن اوقات بیشتری با فرزندان در فضای بیرون از خانه به‌طوری که فرزندان از نظر عاطفی، احساس خلأ نکنند که به‌منظور جبران این کمبود به فضای مجازی پناه ببرند.
- تهیه و پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب اینترنت از زبان گروه‌های مرجع و محبوبی که عموماً جوانان آنها را الگوی خود قرار می‌دهند.
- طراحی بازیهای رایانه‌ای به‌گونه‌ای که در آنها انواع خطر فضای مجازی و راهکارهایی به‌منظور آشنایی و مقابله با آنها تعبیه شده باشد.
- طراحی و تدوین بخشی در کتابهای درسی در ارتباط با آشنایی دانش‌آموزان با فناوریهای جدید و اینترنت برای آشنا کردن آنها با خطر بالقوه آنها
- ساخت و پخش فیلمها و سریالهایی با موضوع اینترنت و مزایا و معایب آن
- استفاده از آموزه‌های دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نوعی کنترل اجتماعی توسط هر شخص
- هنجارسازیهای مثبت و ترویج استفاده از اینترنت و فضای مجازی
- شناسایی شبکه‌ها و برنامه‌ها و ابزارهای آسبیزای جهانی‌شدن توسط سازمانهای مربوط و اعمال نظارت و محدودیتهای دقیق

منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین؛ شکر بیگی، عالیہ (۱۳۸۷)، جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی)، *مجله جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان*، ش ۱۱: ۵۵-۳۳.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۷)، *عشق سیال در باب ناپایداری‌های انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- برگر، پیتر؛ لاکمن، توماس (۱۳۷۵)، *ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- برناردز، جان (۱۳۹۰)، *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نی.
- بک‌گرنسهایم، الیزابت (۲۰۰۲)، *خانواده در جهان امروز*، ترجمه افسر افشار نادری و بیتا مدنی (با مقدمه دکتر باقر ساروخانی)، تهران: نی.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۳)، *تحولات خانواده*، ترجمه جعفر پوینده، تهران: نشر ماهی.
- جمشیدیها، غلامرضا؛ صادقی‌فسایی، سهیلا؛ منصوره؛ لولآور (۱۳۹۲)، نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، ش ۲: ۱۹۸-۱۸۳.
- سروش، مریم؛ حسینی، مریم (۱۳۹۲)، *جهانی‌شدن، هویت مستقل از خانواده و سبک زندگی زنان شهری*، *فصلنامه زنان و جامعه*، دوره ۴، شماره ۱۳: ۷۶-۵۳.
- عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید (۱۳۸۳)، *زنان و تحولات ساختاری جامعه در عصر جهانی شدن*، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۲، شماره ۲: ۱۶۶-۱۵۳.
- قلیچ، مرتضی (۱۳۹۱)، *جهانی‌شدن فرهنگی و تأثیرات آن بر ارزشهای زناشویی و روابط خانوادگی*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۷)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، *تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*، ناصر موفقیان، چ دوم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *چشم‌اندازهای جهانی؛ چشم‌انداز خانواده*، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، *چشم‌انداز خانواده*، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، *مجله آفتاب*، س سوم، ش ۲۹.
- مک‌کارتی، جینرینز؛ ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰)، *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نشر علم.
- Cheu, H. T. (1997). Global culture and its effect on the Malay family and community. *Globalization and Indigenous Culture*.
- Cheu, H. T. (1997). Global culture and its effect on the Malay family and community. *Globalization and Indigenous Culture*.
- Crane, D. (2002): "Culture and Globalization", theoretical model and emerging trend: pp: 1-28 In D.Crane (eds): *Culture and Globalization*, UK, Routledge.
- Giddens, A. (1992). *The transformation of intimacy*, Cambridge: polity press.

- Kim, K. (2009). Change and challenge of Korean family in the era of globalization: Centering transnational families. *Journal of Ritsumeikan Social Sciences and Humanities*, 1, 167-187.
- Paise, Sh. (2006). *Globalization and Its Impact on Families*, May 5, 2006.
- Roseneil, S., & Budgeon, S. (2004). Cultures of intimacy and care beyond 'the family': Personal life and social change in the early 21st century. *Current sociology*, 52(2), 135-159.
- Saleem, Hina. Fatim, Zeenat, Aimen Hadi, Syeda. Nasir, Adnan. Riaz, Muhammad. (2015). family in globalization era: a study on ict. *Journal of Social Sciences*. Vol-1, Issue (2):29-33.
- Shah, G. (2009). The impact of economic globalization on work and family collectivism in India. *Journal of Indian Business Research*, 1(2/3), 95-118.
- Trask, B. S. *Globalization and Families: Meeting the Family Policy Challenge*.
- Valentine, G. (2006). Globalizing intimacy: The role of information and communication technologies in maintaining and creating relationships. *Women's Studies Quarterly*, 34(1/2), 365-393.
- Yang, R., & Neal, A. G. (2006). The impact of globalization on family relations in China. *International Journal of Sociology of the family*, 113-126.